

شخصیت‌های گروتسکی در تذکره یخچالیه

غلامحسین شریفی‌ولدانی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

نجمه زارعینادکوکلی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت ۹۴/۱۰/۲. تاریخ پذیرش ۹۶/۳/۲۵

چکیده

تذکره یخچالیه نوشته میرزا محمدعلی مذهب‌اصفهانی متخلص به فرهنگ (در جوانی) و بهار (در پیری)، جزو نقیضه‌های مفصل ادب فارسی است که به شیوه تذکره آتشکده از آذر بیگدلی نوشته شده است. میرزا مذهب در اثرش سی شخصیت خلق می‌کند تا از مدعیان شاعری و یاوه‌سرایان عصرش انتقاد کند. این شخصیت‌ها از یک سو مضمئزکننده و از سوی دیگر طنزآمیزند و احساسی چندگانه از نفرت و خشم و ترس و طنز را در مخاطب برمی‌انگیزند. این شیوه که به گروتسک شهرت دارد، در بسیاری از آثار ادبی مشهور دیده می‌شود. در این مقاله، نویسندگان پس از ذکر تعریفی از نقیضه و کارکردهای آن، به تحلیل شخصیت‌های گروتسکی این اثر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که شخصیت‌های تذکره یخچالیه اغلب ناقص‌الخلقه‌اند و دچار بیماری‌های جنسی (شاهدبازی و امردبازی و حیوان‌آمیزی و...) هستند؛ به عبارت دیگر، مضمون گروتسکی این تذکره، نخست روابط جنسی نامعقول، و سپس، ردایل اخلاقی چون حماقت و خساست و طمع و دزدی و مردم‌آزاری است. می‌توان گفت کارکرد گروتسک در این اثر، رسوا کردن ذات واقعی زمانه است.

واژه‌های کلیدی: تذکره یخچالیه، میرزا محمدعلی مذهب‌اصفهانی، نقیضه، شخصیت‌پردازی، گروتسک.

۱. مقدمه

ادبیات پربار فارسی، از آغاز تا امروز، شاعران و نویسندگان ظریف و خوش‌ذوق بسیاری پرورانده‌است. از این میان، طنزپرداز خوش‌ذوقی که تقریباً کمتر نامش به گوش خورده، میرزا محمدعلی مذهب‌اصفهانی است. از وی دو تذکره و دیوان شعری باقی مانده‌است؛ از این دو تذکره، یکی جدّ و دیگری هزل است. تذکره جدّ او *مدایح‌المعتمدیه* دربردارنده اشعار شاعران اصفهان در مدح منوچهرخان گرجی معتمدالدوله است. تذکره هزل او با نام *یخچالیه* و مشهور است که بعد از سعایت بدخواهان او و سرقت *مدایح‌المعتمدیه* نوشته شد و این کتاب کم‌حجم، برای همیشه نام وی را در جایگاه یکی از ظریفان و بذله‌گویان خوش‌ذوق ادب فارسی ثبت کرد.

مذهب‌اصفهانی این کتاب را به‌زعم خود «به‌منظور ادخال سرور در قلب دوستان که اعظم حسنات است و اشتغال یاران که الزم ثبوت است» (مذهب‌اصفهانی، ۱۳۲۱: ۲۱) نوشته و امید دارد که «روزی محنت‌اندوزی، خاطر به مطالعه و مذاکره این مزخرفات گمارد و دل از اندیشه‌های باطل و وساوس لاطائل بازدارد» (همان)، ولی به نظر می‌رسد کارکرد انتقادی این اثر، با اینکه شاعر بدان اعتراف نکرده‌است، از کارکرد فکاهی آن بیشتر و ارزنده‌تر باشد؛ از همین رو این مقاله درصدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد: کارکرد انتقادی تذکره *یخچالیه* کدام است؟ ترفندهای طنزساز اثر کدام است؟ شخصیت‌های تذکره *یخچالیه* چگونه‌اند؟

از تذکره *یخچالیه* دو تصحیح در دست است؛ یکی تصحیح گلچین‌معانی که به‌علت در دسترس نبودن نسخه‌های کافی، افتادگی‌های زیادی دارد، و دیگری تصحیح جدیدتری که رساله دکتری حسن زیاری (مقدمه، تصحیح و تحشیه دو رساله نقیضه: *یخچالیه* و *قمارنامه*) است. تحقیقات ادبی چندانی درباره این تذکره انجام نشده و فقط می‌توان به مقدمه مفصل رساله حسن زیاری و مقاله استخراجی از آن با نام «تبعی در تذکره *یخچالیه*» (زیاری و محمدی‌فشارکی، ۱۳۹۲) اشاره کرد.

۲. گروتسک

گروتسک در نزد اغلب محققان غربی، نوعی فن یا عنصر ادبی است که شاعر یا نویسنده می‌تواند از آن به میزان کم یا زیاد و در هر جای اثر بهره‌گیرد (تسلیم‌چهرمی و طالبیان،

۱۳۹۰: ۲؛ ثابت‌قدم، ۱۳۸۳: ۲۰۴). گروتسک، در اصل، واژه‌ای ایتالیایی به معنای غار یا سرداب است (لوترآدامز و یتس، ۱۳۹۰: ۲۴). امروزه در معانی‌ای چون مضحک و غریب و خنده‌آور و مسخره و شگفت‌آور و ناپه‌نجان و ناهماهنگ و خیالی و خوفناک به کار می‌رود. در اصطلاح ادبی، گروتسک به دنبال ایجاد نوعی تضاد و دوگانگی در اثر است و یادآور مجموعه‌ای از احساسات است، مانند دل‌تنگی و بیم و تنفر و شادی و سرگرمی و هراس و دلهره، که به وسیله نیروی یادآورنده‌اش، به نظر، قالبی شاخص و متناقض جلوه می‌کند. گروتسک، هم دنیایی است و هم غیردنیایی، و فراخوانی از واکنش‌های متناقض محسوب می‌شود (راستی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

جهان گروتسک به‌گونه‌ای شکل دگرگون‌شده جهانی است که می‌شناسیم؛ عناصر طبیعی، ناگهان عجیب به نظر می‌رسند و هنجارها و منطقی که با آن زندگی می‌کنیم دیگر کارگر نیستند. در این جهان، گونه‌ای براندازی قوانین وضع‌شده و از دست رفتن هویت‌ها و کج‌نمایی ظاهر طبیعی و تخریب شخصیت‌ها دیده می‌شود به طوری که این جهان ساختگی، کاملاً غریب و بیگانه به نظر می‌رسد. تأثیر آن بیشتر ترس از زندگی است تا مرگ؛ زیرا چنان جلوه‌ای ترسناک و ناگهانی و غافلگیرکننده دارد که می‌خواهیم از آن بگریزیم (لوترآدامز و یتس، ۱۳۹۰: ۳۷). در حقیقت، برای آنکه مطلبی گروتسک باشد، باید انگیزاننده سه واکنش در مخاطب باشد: خنده، حیرت، دلهره یا تنفر (شربتدار و انصاری، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

نظریه پردازان بسیاری درباره گروتسک مطلب نوشته‌اند؛ ولی نظریه‌ای که ما مبنای تحلیل گروتسک در تذکره یخچالیه قرار دادیم، نگاه ولفگانگ کایزر (Wolfgang Kayser) به گروتسک است. کایزر یکی از نخستین کسانی است که درباره گروتسک بحث کرده و کتاب گروتسک در هنر و ادبیات (*The Grottesque in Art and Literature*) او که در سال ۱۹۵۷ تألیف شد، یکی از منابع اصلی این حوزه است. کایزر کتاب خود، گروتسک را اصلی نظام‌یافته و جامع می‌انگارد. او گروتسک را تجلی دنیای پریشان و از خودبیگانه می‌داند و بر آن است که هنرمند گروتسک‌پرداز درحالی که اضطراب خاطر را با خنده ظاهر پنهان می‌کند، پوچی‌های عمیق هستی را به بازی می‌گیرد (تامپسون، ۱۳۶۹: ۳۷). احساس متناقضی که گروتسک برمی‌انگیزد، گونه‌ای غافلگیری و وحشت و ترس از حضور در جهانی است که در حال از هم پاشیدن است. کایزر در

محوریت بیان گروتسک، بر ترکیب اجزای گوناگون و ناسازگار تأکید دارد و ترکیب عناصر گوناگون را از حیاتی‌ترین الزامات گروتسک می‌داند. چهار مقدمه اصلی تئوری او بدین شرح است: ۱. گروتسک دنیایی بیگانه است؛ ۲. گروتسک بیانی از یک نیروی ادراک‌نشدنی و غیرشخصی است؛ ۳. گروتسک بازی با نامعقولات است؛ ۴. خلق گروتسک تلاشی برای احضار و مقهور کردن ابعاد شرورانه و شیطانی جهان است. برای کایزر، بیان گروتسک، بیانی از نوع بیگانه یا متعلق به جهانی ویران‌شده است. با این عبارت، منظور او جهانی است که به گونه‌ای شکل دگرگون‌شده جهانی است که می‌شناسیم و عناصر طبیعی، ناگهان عجیب و ناخجسته به نظر می‌رسند (لوترآدامز و یتس، ۱۳۹۰: ۳۲-۴۰).

با توجه به آنچه گفتیم، گروتسک مفهومی امروزی است و به‌خصوص از قرن بیستم به بعد در ادبیات بدان توجه شده‌است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان به دنبال این مفهوم در آثار نویسندگانی در ۱۵۰ سال پیش بود یا نه؟ باید گفت گروتسک فن یا عنصری ادبی است و فراتر از نام امروزی‌اش، قابلیت این را دارد که در هر اثری (فارغ از قصد قبلی و آگاهی نویسنده) دیده شود. همچون برخی از صناعات ادبی که در آثار شاعران و نویسندگان برجسته آمده، درحالی‌که بعد از آنان چنین نام‌گذاری‌هایی انجام شده‌است. درحقیقت شاعر یا نویسندگانی که درک بسیاری از هستی دارد، تناقض‌های دوران‌ش را می‌بیند و آن را در اثرش به‌صورت مضامین چندسویه منعکس می‌کند و جهان ترسیم‌شده در اثر او، جهانی مضحک و خنده‌آور و مسخره و شگفت‌آور و نابهنجار و خوفناک است.

۳. میرزا محمدعلی مذهب‌اصفهانی

میرزا محمدعلی فرزند ابوطالب مذهب‌اصفهانی (وفات: ۱۲۷۵ ق) در جوانی «فرهنگ» و در پیری «بهار» تخلص می‌کرده‌است (مسجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۲). از ابتدای جوانی به شاعری روی می‌آورد و شغل موروثی پدرانش، تذهیب، را دنبال می‌کند و مدتی در تهران در دربار فتحعلی‌شاه قاجار ترتیب قصاید و تذهیب مکاتب می‌کند و از انعام غیرمنتزاهی شاهی برخوردار می‌شود (نک: مذهب‌اصفهانی، ۱۳۶۵ ق: ۵۰۰). پس از فوت فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۵۰ ق، به اصفهان برمی‌گردد. بعد از اینکه محمدشاه حکومت اصفهان را به منوچهرخان گرجی معتمدالدوله می‌سپارد، در خیل شاعران و ستایشگران وی درمی‌آید و قصیده‌یائیه‌ای در مدح او می‌سراید، ولی حاسدان، او را به سرقت از دیوان مجمر زواره‌ای

متهم می‌سازند. منوچهرخان حقیقت ماجرا را تفحص می‌کند و بی‌گناهی میرزا مذهب برایش اثبات می‌شود و توجه و التفات ویژه‌ای به او می‌کند، چنانکه «هنگام عرض و استدعای جمع و حیات این گنجینه [تذکره مدیح/المعتمدیه] مسئولش قرین قبول افتاد» (مذهب‌اصفهانی، ۱۳۶۵: ق: ۵۰۱) و بدین ترتیب میرزا مذهب در سال ۱۲۵۹ ق (مسجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)، تذکره مفصلی مشتمل بر بیست‌هزار بیت در تاریخ زندگی منوچهرخان و ترجمه احوال شاعران و قصایدشان در مدح معتمدالدوله تألیف می‌کند. پس از این، حاسدان او باز ملاعلی فنای‌لنجانی را که ریشه‌های خبط دماغ در وجودش مرکوز بود، واداشتند که عیناً اثر او را سرقت کند و به نام خود عرضه دارد (مسجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

درباره تاریخ تألیف تذکره یخچالیه ابهامی وجود دارد. آن‌چنان‌که مشهور است، میرزا مذهب بعد از انتقال تذکره‌اش، به شدت آزرده‌خاطر می‌شود و برای کینه‌کشی از بدگویان و عیب‌جویان، تذکره یخچالیه را مشتمل بر نظم و نثر به نگارش درمی‌آورد (مذهب‌اصفهانی، ۱۳۲۱: ز؛ مسجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۶)، درحالی‌که میرزا مذهب زمان نوشتن یخچالیه را عنفوان جوانی‌اش ذکر می‌کند:

نظر به اینکه فقیر این ترهات و مزخرفات را در عنفوان جوانی و بهار زندگانی که نیک از بد و مقبول از رد امتیاز نمی‌داد به جهت صحبت و مزاح یاران نوشته بود و هر پارچه کاغذی از آن به دست کسی افتاده و نسخه مدون نداشتم و می‌خواستم زود به شرف حضور مشرف شود، از هر جا ورقی مغشوش و پریشان جمع کردم... در این عهد، این فقیر هم این مزخرفات را نوشته باشد، رخصت کرامت فرمایند تا تتمه آن را جمع کرده، کتابی خوب و دیوانی به اسلوب نگارش رفته، انفاذ حضور آفتاب‌ظهور کرده و الا همین قدر مضاحک و مصادم بودن بس است (مذهب‌اصفهانی، ۱۳۲۱: ۱۵۰).

اگر این موضوع را از جمله توجیهات مرسوم در هزلیات بدانیم و آن را چندان جدی تلقی نکنیم، هنوز ابهام دیگری باقی است و آن اینکه محیط‌طباطبایی (مذهب‌اصفهانی، ۱۳۲۱: ص) با توجه به بیتی از قصیده میرزا مذهب در تذکره انجمن روشن (نوشته صفازواره‌ای و مشتمل بر اشعار سخنورانی که تا سال ۱۲۶۸ قمری، فرمانروای اصفهان، چراغعلی‌خان زنگنه، را ستوده‌اند) تاریخ تألیف یخچالیه را سال ۱۲۵۶ می‌داند؛ مذهب می‌گوید:

سه چهار سال و دو سه ماه بیش نیست که مرا بریده شده از سخن زبان مقال

به آب شستم من آن کتاب مسخرگی از آن سپس دهنم بسته شد زبانم لال یعنی دوازده سال ونیم است که دیگر مضحکه نمی گوید. اگر از ۱۲۶۸ حساب کنیم، تاریخ نوشتن یخچالیه ۱۲۵۶ یا ۱۲۵۵ است و آن چنان که در بیت دیگری اشاره می کند، کتاب در عرض یک سال نوشته شده است:

هزار سال نشاید نوشت دیوانی که من نوشتم آن ترهات در یک سال

این تاریخ با تصور عمومی که تألیف یخچالیه را بعد از *مدایح المعتمدیه* (۱۲۵۹) می دانند، همخوانی ندارد و نشان می دهد یخچالیه پیش از *مدایح* نوشته شده است.

همچنین در متن *تذکره یخچالیه ی چاپی*، چند تاریخ و ماده تاریخ درباره شخصیت‌ها دیده می شود که در تاریخ وفات بیان آمده: «در سنه هزار و دوست و پنجاه و پنج هجری در عتبات عرش درجات به جوار رحمت الهی پیوست» (مذهب اصفهانی، ۱۳۲۱: ۹۶) و در نسخه خطی همین تذکره، در شرح زندگی حاجی که در نسخه چاپی نیامده، می گوید: «در دیوان شاه نعمت‌الله علیه‌الرحمه تعریف حاجی را در سنه هزار و دوست و پنجاه و پنج هجری خبر داده است» (مذهب اصفهانی، ۱۲۸۵: ۱۳۲). پس آن چنان که از تاریخ‌های کتاب برمی آید، میرزا مذهب کتاب را پیش از ۱۲۵۵ نوشته و می توان گفت تاریخی که محیط طباطبایی بدان اشاره می کند، صحیح است.

نکته دیگری هم وجود دارد و آن اینکه وفای زواره‌ای (وفات: ۱۲۴۸ ق) در *مآثر الباقریه* درباره میرزا مذهب می نویسد: «به مقتضای ظرافت طبع، تذکره‌ای ظریفانه نگاشته و شرح احوال متشاعران سخیف‌الرای و اشعار غیرموزون مجعوله آن‌ها را مرقوم داشته، الحق در ایراد ظرایف و ایجاد طرایف، تلفیقی آورده که مقدر کمتر کسی از مترسلین است» (وفازواره‌ای، ۱۳۸۵: ۱۶۸). اشاره وفا به *تذکره ظریفانه ی میرزا مذهب* و یاد نکردن از *مدایح* نکتۀ بسیار تأمل برانگیزی است. *مآثر الباقریه* در سال‌های ۱۲۴۵-۱۲۴۸ نوشته شده است و در آن اسمی از *تذکره مدایح* نیست، چون این کتاب پس از ورود منوچهرخان به اصفهان (۱۲۵۵ ق) تدوین شده و اینکه وفا از *تذکره ظریفانه یخچالیه* یاد می کند، بدین معنی است که این تذکره پیش از ۱۲۴۸ ق مشهور بوده است. می توان نتیجه گرفت میرزا مذهب همان‌طور که خودش اشاره می کند، کتاب را در جوانی نوشته است، ولی پراکنده بوده (یا دست کم به کسی تقدیم نشده و بیشتر به سبب مطایبه آن را نوشته بوده است) و در سال ۱۲۵۵ ق وقتی

می‌بیند که این کتاب هواداران بسیاری به دست آورده یا به دلایل دیگری که بر ما پوشیده مانده، آن را جمع‌آوری می‌کند و بخش‌های تازه‌ای (می‌توان دو تاریخ متأخر در متن تذکره را این‌گونه توجیه کرد) را بدان می‌افزاید و به محمدشاه تقدیم می‌کند.

۴. ویژگی‌های تذکره یخچالیه

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، تذکره یخچالیه نقیضه‌ای است بر تذکره آتشکده‌ی آذر بیگدلی (مذهب اصفهانی، ۱۳۲۱: ۱۸)؛ عنوان «یخچالیه» نیز در تضاد با همین اثر است. زیاری و محمدی بر آن‌اند که میرزا مذهب فقط طرح کلی تذکره خود را از تذکره آتشکده اقتباس کرده و تعهد چندانی به رعایت اسلوب آن ندارد (زیاری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۲) و این نظر درستی است؛ زیرا میرزا مذهب در تذکره مدیح/المعتمدیه هم به اسلوب تذکره آتشکده اقتدا کرده است (نک: مسجدی، ۱۳۹۰: ۱۲۹) و به‌طور کلی می‌توان گفت در تذکره‌نویسی، همان‌طور که مرسوم زمانش بود، از شیوه آذر پیروی کرده‌است. عصر میرزا مذهب (قرن سیزدهم) عصر رواج تذکره‌نویسی است و تقریباً در این عهد، ۱۵۰ تذکره نوشته شده و به شهادت همین تذکره‌ها، انجمن‌های شعری زیادی در اصفهان برگزار می‌شد و این تذکره‌ها حاکی از تنوع و تعدد شاعران این عصر است که اصل رایج شعرشان «تقلید» بوده‌است (مسجدی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). نمی‌توان در این باره اظهار نظر قطعی کرد که تا چه میزان میرزا مذهب اصفهانی کارکرد نقد ادبی و انتقاد از تذکره‌نویسی را در نقیضه‌اش دنبال کرده‌است. با توجه به اینکه خود میرزا مذهب جزو افرادی است که تذکره مفصلی بالغ بر هزار صفحه نوشته‌است، بعید می‌نماید بخواهد این شیوه را نقد کند و به نظر می‌رسد وی بیشتر از شهرت تذکره‌نویسی در نزد مخاطبانش سود می‌جوید تا انتقادش از یاوه‌سرایان زمان، بیشتر بر دل بنشیند.

به هر روی، به‌جز تذکره آتشکده که خود نویسنده بدان اشاره کرده، نویسنده در تألیف نقیضه خود به گلستان سعدی و کثوم‌ننه‌ی آقاجمال خوانساری نیز گوشه‌چشمی داشته است (زیاری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). همچنین نظری هم به صحیفه پنجم تحفه سامی از سام‌میرزای صفوی، پسر شاه اسماعیل، داشته‌است (صلاحی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

نثر یخچالیه مصنوع و مسجع است و آراسته به آیات و اخبار و اشعار و امثال عربی، و نیز آکنده از کلمات قصار و امثال و اشعار فارسی است. بهزادی‌اندوهجردی (۱۳۸۲: ۳۹۴)

معتقد است میرزا مذهب در گزینش و استعمال مفردات و ترکیبات عربی، بیش از حد لزوم اصرار می‌ورزد، چنان‌که در جای‌جای کتابش نشانه‌هایی از تکلف و فضل‌فروشی به چشم می‌خورد. باین‌حال ابیات کتاب (ابیاتی که به شعرا منسوب است) و اغلب حکایت‌ها، زبانی ساده و عامیانه دارند؛ زبانی سرشار از لغات و اصطلاحات عامیانه چون محصیت (معصیت)، انقوزه (نوعی گیاه بدبو)، پچل (کتیف)، رشک (تخم شپش)، شلوال (شلوار)، چخ کردن (آوازی برای راندن حیوانات مزاحم مثل سگ و گربه)، بی‌بلگ (بی‌برگ)، کپه (سالک)، لیچار (یاوه). او از قابلیت منحصر به فرد زبان کوچه‌بازار برای خنداندن استفاده می‌کند و این سبک عامیانه را در کنار سبک نثر مصنوع و شسته‌رفته و متکلف تذکره‌ها می‌نشانند.

۵. مصادیق گروتسک در تذکره یخچالیه

در تذکره یخچالیه، مرز گروتسک کمیک (جنبه خنده‌آور آن بر جنبه ترسناک یا انزجارآورش می‌چربد) و مخوف (جنبه ترسناک و شوم، بعد خنده‌آور را در کنترل دارد) (نک: یعقوبی و فشی، ۱۳۹۰: ۲۴۹) مشخص نیست و در برخی قسمت‌ها به سمت گروتسک مخوف گرایش دارد و در قسمتی دیگر به گروتسک کمیک. باین‌حال، غلبه با گروتسک کمیک است و نویسنده می‌کوشد مخاطبش را بخنداند؛ او پس از توصیفات مشمئزکننده، بلافاصله با ترفندی مخاطب را از فضای ترس و انزجار خارج می‌سازد. گروتسک این اثر در توصیف شخصیت‌ها و حیوانات و مضامین متن، بارز است؛ از همین‌رو در ادامه، این سه را بررسی کرده‌ایم.

۱-۵. شخصیت‌های گروتسکی

درباره عنصر مشترک شخصیت‌های طنز گفته‌اند که شخصیت‌های خنده‌دار، شخصیت‌های غیرعادی و عجیب و خاص و شاید نفرت‌انگیز ولی همیشه اغراق‌آمیز هستند؛ شخصیت‌های خنده‌دار، اغلب آدم‌هایی مردد یا دچار تضاد شخصیت هستند؛ فکرشان با عملشان فرق دارد یا نقشی را بد ایفا می‌کنند یا بیهوده سعی دارند دو جنبه مختلف شخصیتشان را با هم وفق دهند (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۴۶). این ویژگی در شخصیت‌های گروتسکی نیز دیده می‌شود و باید این قید را اضافه کنیم که شخصیت گروتسکی همیشه نفرت‌انگیز است و ترکیبی از تعارضات جسمانی و فکری است. این شخصیت‌ها بر نوعی ناقص‌الخلقگی و دگرذیسی یا مسخ استوارند. در نوع ناقص‌الخلقه، جنبه هیولایی و مضحک شخص، محصول نقص عضو اوست، اما در نوع مسخ/دگرذیسی، ترکیب

نیمه‌انسان و نیمه‌حیوانی یا نیمه‌نبات، جنبه عجیب و غریب گروتسک را به نمایش می‌گذارد (یعقوبی و فشی، ۱۳۹۰: ۲۴۶).

در تذکره یخچالیه شرح حال سی شخصیت آمده‌است؛ شاعرانی با نام‌های مستعار اجلل، اسود، اورنگ، فلان (یا خر)، خمره‌شور، زنبور، ناظم، مستوفی، سید، غزاله، ناقص، واله، بعیر، چرخ، صباغ، محدث، عیان، بیان، شپش، شوقی، مشنگی، جلال، ماهر، مخمخی، قلنچی، ملاسعید، کنه، حمار، حاجی، دبنگوز (زیاری، ۱۳۹۲). میرزا مذهب نخست تصویر مضحکی از هیکل و خلق و خوی و رفتار احمقانه شخصیت‌هایش با مبالغه و اغراق به دست می‌دهد؛ سپس به‌عنوان «معیار ادراک» چنین موجودات ناآگاه و بی‌خبری که نه‌تنها از علوم و معارف گذشته و حال، به‌سبب حمق‌جلی بویی نبرده‌اند، بلکه درباره خود نیز دچار اشتباه و خود بزرگ‌بینی هستند، به ذکر نمونه‌های گوناگونی از سخنان مبتذل و هذیان‌مانند آنان می‌پردازد (بهزادی‌اندوه‌جردی، ۱۳۸۲: ۳۹۵).

ویژگی مشترک بین همه شخصیت‌ها حماقت است و میرزا مذهب شخصیت‌هایش را با کلماتی چون غباوت، حماقت، دبنگی، جاهل، غافل، مجنون، دیوانه، خشک‌دماغ، سفاهت‌پیشه، خالی از دانش، خرافت‌مآب، سخافت‌رای، خالی از ادراک، وصف می‌کند. یخچالیه را می‌توان ضیافت شاعران دیوانه نامید؛ ضیافتی که شاعران آن به هیچ اصلی پایبند نیستند و تمام قواعد - چه قواعد اجتماعی و دینی، و چه قواعد ادبیات رسمی - را زیر پا می‌گذارند. میرزا مذهب‌اصفهانی (۱۳۲۱: ۱۲) درباره شاعران تذکره‌اش می‌گوید:

ملجاً و مضطراً دنبال بیهوده‌گویان یاوه‌سرا و یاوه‌درایان هرزه‌گرا که فاطیل طبع خامشان از آتش دوزخ گرم نگردد و در فالیز دماغشان جز هندوانه ابوجهل نروید افتاد مطالعه و مذاکره اشعار سخافت شعارشان می‌نمود تا آنکه جنسیت علت انضمام و سنخیت واسطه ارتباط گردید، این فقیر را مشیر و مشار و مشتری بازار خود دانسته هر صبح مصروعی در سراغش که فلان مصرع شیخ را جواب گفته‌ام و فلان قصیده انوری را نقش بر آب آورده‌ام. کاتب اوراق از آنجا که «دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید» خاطر به صحبتشان می‌گماشت و دل به مقالاتشان می‌داشت.

یکی دیگر از عناصر مهم و زیرساخت تصاویر گروتسکی، تلفیق ناهماهنگی‌هاست. این ناهماهنگی را می‌توان در خلاف عرف یا در تعارضات جسمانی دید؛ برای نمونه، اجلل

شاعر، دن کیشوت‌وار از اسباب تجمل که «خاطر بر تحملش می‌گماشت، غلامی مدقوق و اسی که لایقی منه الاعظام و عروق بود، داشت» (همان: ۲۶)، باین حال در فکر تسخیر ختا و ختن است و اشعارِ گرفتنِ خراج «لودیانه» و «لندن» می‌خواند؛ خوابی که اصحاب رمل برای او می‌بینند، یک باز در خواب بر سر اجلل، فضله انداخته‌است (خوابی که باز بر دست یا بازو نشیند، تعبیر به پادشاهی می‌شود) و اجلل این را تعبیر به پادشاهی خود می‌کند و سرانجام قصیدهٔ مدیحه‌ای برای خویش می‌سراید و برات انعام را در نام خود می‌نویسد (همان). در نتیجه می‌توان گفت میرزا مذهبِ اصفهانی شخصیت‌هایش را براساس تضاد و تحقیر و اغراق و ناهماهنگی می‌آفریند. در ادامه، مهم‌ترین ویژگی‌های جسمانی شخصیت‌های گروتسکی یعنی ناقص‌الخلقگی و مسخ را بررسی می‌کنیم و فراموش نمی‌کنیم که تلفیق این جسم عجیب و بی‌قاعده با رفتار و منشی نامتناسب و عجیب‌تر، شخصیت‌های گروتسکی این تذکره را آفریده‌است.

۱-۱-۱. ناقص‌الخلقگی

میرزا مذهب با نثری فخیم و مشحون به آرایه‌های ادبی و آیات و احادیث و امثال عربی و با نوعی آرامش که مخاطب را به حیرت وامی‌دارد، نخست شخصیت‌هایش را که همگی نقص جسمانی دارند و گاه این نقص جسمانی بسیار مشتمزکننده است، توصیف می‌کند. نقص‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ نقص‌های حاصل از بیماری مثل کچلی، کوری، کری، لنگی، غر، قوز، چشمان آبکی از آبله، چشمان احول، چشمان سنبل (نوعی بیماری چشم که سرخی در چشم پدید می‌آید)، آبله، سالک، بواسیر، یبوست، اسهال، پلک چشم گندیده، کم‌مویی، روی زرد، روی سیاه؛ و نقص‌های حاصل از ناهماهنگی مثل چشمان تنگ، مژگان‌های خیلی بلند، ریش دراز، ریش نداشتن، ریش رنگارنگ، دندان بزرگ، دندان کثیف، صدای نامتناسب (صدای خر)، صدای آهسته، بینی بزرگ یا دراز، بینی کج و بی‌قاعده، لب‌های بزرگ، دهان گشاد و کج، ذقن نامتناسب، چین‌وچروک بسیار، گردن باریک و دراز، گوش بزرگ و پهن، هیكل خیلی بزرگ یا خیلی کوچک، قد خیلی کوتاه یا خیلی بلند، قد خمیده، عرق بسیار یا عرق نکردن، پای پهن. وقتی این ویژگی‌ها با هم تلفیق می‌شوند، موجوداتی عجیب و زشت‌رو خلق می‌شود؛ این غرابت جسمانی با حماقت تلفیق می‌شود و ملغمهٔ حیرت‌آوری از انسان به نمایش می‌گذارد. او در وصف «ناقص»، که تخلصش گویای شخصیتش است، می‌گوید:

ناقص، کجلی است کور... چشمش از غایت تنگی به چشم نیاید، بلکه این مثلثش نکو نماید که «سواد عینه اصغر من بیاض المیم / وسعة قلبه اضیق من صدر اللئیم». همواره دهانش چون مفاک باز و ریشش به غایت دراز. کج‌بینیش را این حکایت راست و حولش را این تعریف به‌جاست که اگر در روز نشورش به جنت مأمور کنند، اهل بهشت به ستوه آمده گویند: «گر ورا در بهشت جای دهید / ما همه دوزخ اختیار کنیم». خطاب رب‌الارباب در رسد که «یا عبدالله المخلصون! لاخوف علیکم و لا اتم تحزنون!؛ زیرا که از غایت کج‌بینی به جهنم گراید و نعیم از جحیم امتیاز ننماید. جای ابله بر رویش بر که‌هاست و عرق در آن بر که‌ها هفت‌ساله‌سر که‌ها با جمالش دیو رجیم، مصداق کریمه «ان هو الا ملک کریم» و با عظم دماغش جبال شامخه را نسبت سبع عرض شعیر است و با پلک چشمش نخن افلاک را اضافت پرده نقیر (همان: ۶۸)

وصف این موجود زشت‌منظر با وصف خساست بی‌اندازه او کامل می‌شود و جالب است که همین شخص، مدتی بر قم و کاشان حکومت می‌کند. وی در وصف «آرمان» گوید: گویند که او را غری بود زمین‌پیما و قوزی آسمان‌فرسا. الحق خلقتی ناموافق و قضیه «الجزء اعظم من الكل» در ماده‌اش صادق. پیوسته آبش از دیدگان در دهان روان و مصداق «فیهما عینان تجربان» است. با این احوال، دائم در فراق سلسله‌مویان موید و از شوره‌زار خاطرش خار محبت گلرویان روید (همان: ۳۰).

آرمان با وجود جسم ناقص‌الخلقه و بیماری غر (آب آوردن کیسه بیضه و فتق)، عاشق غلامی سیاه است و در وصف زیبایی‌هایش غزل می‌سراید و از هجر او می‌موید. در همه نمونه‌ها، میرزا مذهب پس از توصیف جسم، با همان آرامش، از اخلاق و منش شخصیت حرف می‌زند و جالب اینکه اخلاق و رفتار شخصیت، از جسمش هولناک‌تر است. طرفه آنکه مدعی فضل و کمال نیز هستند و از خودبزرگ‌بینی عجیبی دارند؛ مثلاً پس از توصیف شخصیت «اسود» که «در بدایت حال، دماغش را اختلال طاری و سودای مفرط صفحه وجودش را ساری آمد» می‌گوید که او «هوای سرداری از احوالش پیدا و خیال محال جهاننداری از طرز مقالش هویدا بود و از آنجاکه اصفهان را سپاه‌خیز ندانسته عازم خراسان گردید که در وی چون خود، خر آسان به چنگ آرد و پای در مرحله سروری آسان گذارد» (همان: ۲۷).

۱-۲. مسخ‌شدگی

مسخ و دگردیسی محض به‌صورتی که موجودی به موجود دیگر استحاله پیدا کرده باشد،

یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های گروتسکی است. در تذکره یخچالیه شخصیتی که دگردیسی کامل داشته باشد نمی‌بینیم، ولی جالب است که مذهب اصفهانی برخی شخصیت‌ها را با صنعت استعاره با حیوانی یکسان‌انگاری می‌کند و به ذهن مخاطب این چنین القا می‌شود که شخصیت، نیمه‌انسان - نیمه‌حیوان است و بدین گونه حیاتی‌ترین ویژگی گروتسک یعنی ترکیب ویژگی‌های گوناگون را در اثرش محقق می‌سازد. از این سی شخصیت، چهار شخصیت نیمه‌انسانی - نیمه‌حیوانی داریم: زنبور، اژدها و مار و زنبور است (همان: ۵۴)؛ خمره شور خرچنگ است (همان: ۴۵)؛ خر موجودی نیمه‌انسانی - نیمه‌خر است (همان: ۴۱)؛ مخمخی گربه است (همان: ۱۱۱). وی در شرح حال زنبور می‌گوید: «زنبور اژدهایی است در خوردن خون مسلمانان غیور و بلایی است که همواره بر خانواده ضعیفانش عبور» (همان: ۵۲) و در ادامه می‌گوید: «وجه تخلص آنکه نظر به حقارت جثه و ترنم آهسته، مردم را از او اجتناب نیست و بر او راه ارتیاب نه، بلکه در اول همه او را مایل و عسل امید را از او حاصل می‌دانند، ولی چون او را پای در پیش و بر عروق فقیرانش سر نیش آمد، دیگر نه احدی را جان در بدن و نه تنی را نان در مسکن پیدا شود» (همان).

۲-۵. حیوانات گروتسکی

کایزر تعدادی از حیوانات را حیوانات گروتسکی می‌داند: «حیوانات، به خصوص مارها، جغد، غوک، عنکبوت، خزندگان، حشرات موذی، و فراتر از همه آن‌ها خفاش‌ها هستند که تجسم حیوانی گروتسک در نظر گرفته می‌شود» (لوترآدامز و بتس، ۱۳۹۰: ۳۵). در تذکره یخچالیه نام ۳۳ حیوان دیده می‌شود که از میانشان بیشترین بسامد تکرار متعلق به خر (۲۱ بار) و شتر (۱۳ بار) است. خر و شتر با اینکه حیواناتی گروتسکی تلقی نمی‌شوند، در این کتاب اغلب از آن‌ها برای خلق مضامین حیوان‌آمیزی استفاده می‌شود که مضمونی گروتسکی است. بسامد تکرار مابقی حیوانات کتاب از این قرار است: گربه چهار بار، سگ چهار بار، زنبور سه بار، وزق سه بار، گاو سه بار، ماهی سه بار، خرچنگ دو بار، عقرب دو بار، کرم دو بار، اژدها دو بار، مار دو بار، کلاغ دو بار، کنه دو بار، و حیواناتی چون موش، گورخر، لاک‌پشت، شپش، شیر، آهو، گوسفند، اسب، صعوه، باز، شاهین، کرکس هر کدام یک بار آمده‌اند. مشخص است حیواناتی که به نوعی مشمئزکننده‌اند و ترس را القا می‌کنند همچون زنبور و وزق و خرچنگ و کرم و شپش، از دیگر حیوانات اهلی و آشنا مثل اسب و گوسفند و آهو و کبوتر، بسامد بیشتری دارد.

۳-۵. مضامین گروتسکی

شهوانیت و مرگ و خیانت و بدمستی و دزدی و شکنجه جزو مضامین مشهور گروتسکی است. در تذکره یخچالیه اغلب شخصیت‌ها، افرادی هستند که با وجود پیری و ناقص‌الخلقگی و زشت‌رویی، دائماً دنبال زیبارویان و مردان و حتی حیوانات‌اند؛ به عبارت دیگر، روابط جنسی افراطی و غیرمعقول در این کتاب، مضمونی گروتسکی است که اغلب شخصیت‌ها گرفتار آن‌اند. شهوانیت در ذات خود مفهومی ممنوع و تابوست که فرهنگ مسلط آن را به حاشیه می‌راند. باین‌حال، برخی از اشکال روابط جنسی بیشتر از شکل معمول آن ممنوع و نهی شده است. شهوانیتی که در این اثر می‌بینیم، مربوط به ممنوع‌ترین شکل‌های رابطه جنسی است که شامل همجنس‌بازی (شاهدبازی / لواط) و کودک‌آزاری (امردبازی / بچه‌بازی) و حیوان‌آمیزی است. از سی شخصیت تذکره یخچالیه نویسنده در شرح زندگی اجلل و آرمان و محدث و حاجی، با اغراق و مبالغه به شاهدبازی‌شان می‌پردازد، و در شرح حال خمره‌شور و شوقی و جلال به امردبازی آنان اشاره دارد، و در شرح زندگی بعیر و دبنگوز و خر، حیوان‌آمیزی دست‌مایه ساخت تصاویر گروتسکی می‌شود. یگانه شخصیتی که با شاهدبازی مخالف است و نویسنده او را دبنگ و دارای خشکی دماغ می‌داند، اورنگ است. برای روشن‌تر شدن مطلب، دو نمونه را تحیل می‌کنیم. در شرح حال خمره‌شور که پیرمردی قدکوتاه و زشت‌روست و شغل قنادی را رها می‌کند تا مشتری شکرلبان شود، می‌آورد:

اگر بیماری مختصر یا دیبایی در شرر داشته باشد و از منزل به جهت انجام آن مشکل برآمده باشد و بیند که کودکی حلقه‌درگوش چننه‌بردوش به مکتب می‌رود، آن کار را مختصر گرفته چون سایه از عقب او روان و چون دایه از پی آن پویان آمدی و از صبح تا شام در مکتب، متحمل بار تعب گشتی و بعد از ترخص اطفال و تفرق امثال، هرچه در آن مکتب خاک یا کلوخی که خود را بدان پاک کرده باشند جستی، این را بر سینه و آن را بر دیده نهادی که: «بوی جان می‌آید از پشم شتر / این شتر از مال سلطان ویس در» و چون شام آید و آن بیمار مرده و آن بساط را آب برده باشد این مصرع خواند. ع: «جهل باشد زبان مختصری» (مذهب‌اصفهانی، ۱۳۲۱: ۴۶).

تصویر گروتسکی این مطلب، پیرمرد زشت‌رویی است که بر زمین به دنبال

یافتن کلوخ و خاکی است که کودکان مکتبی، خود را بدان پاک کرده‌اند؛ این، تصویری بسیار مضمّن‌کننده است. بیت بعد از آن، حالت نفرت این موضوع را کمتر می‌کند و مخاطب را می‌خنداند. در شرح حال خمره‌شور، دو حکایت دیگر نقل می‌شود که خدعه‌ای به کار می‌بندد تا یکی از کدخدازادگان زیبارو را بفریبد. در هر دو حکایت، تصاویر گروتسکی با استفاده از مضمون امردبازی خلق می‌شود که ما برای طولانی نشدن بحث، خواننده را به اصل کتاب ارجاع می‌دهیم.

سابقه مضمون حیوان‌آمیزی که نویسنده با استفاده از آن تصاویر گروتسکی خلق می‌کند، در هزلیات پیش از مذهب‌اصفهانی نیز فراوان دیده می‌شود. یک جا در خیثات سعدی (۱۳۸۱: ۹۹۵) و بار دیگر در رساله دلگشا (عبید زاکانی، ۱۳۸۳: ۶۷) و بار دیگر در دفتر پنجم مثنوی معنوی (مولانا، ۱۳۸۶: ۸۸)؛ حیوانی که در تمام این هزلیات دیده می‌شود خر است. میرزا مذهب در شرح حال بعیر از آمیزش با شتر حرف می‌زند و گویی این مضمون نیز سابقه داشته است. فلور (۲۰۱۰: ۳۲۰) به تصویری در دست‌نوشته‌ای متعلق به سده نهم از هفت‌وزنگ اشاره می‌کند که در پس‌زمینه یک اردوگاه، مردی را در حال آمیزش با شتر نشان می‌دهد. چه این کار جنبه واقعی داشته باشد و چه فقط استفاده از تابویی مضحک برای خندان باشد، در هر روی مضمونی گروتسکی به شمار می‌رود. بعیر که نویسنده او را ماده‌ای قابل برای تدوین سفینه‌اش می‌داند، پیرمرد کوچک‌اندام عصاره است که سنش نزدیک هشتاد است و عاشق شتران؛ چندان که در نماز مناجاتش به تعداد عدد حروف ابجد کلمه «بعیر» (۲۸۲)، «یا بعیر! یا بعیر!» می‌گوید:

به محبت میل کرده ولی سلیقه‌اش از عشق بچه انسان سپری گشته، بچه شتری را به معشوقی گرفت و همواره با خیالش دل خوش و از فراقش جان مشوش می‌داشت. شب در بستر با وی توأم و روز در آسیا با او همدم، گاهی در هوای گرم گرم عشقش به حرکت آمده این شعر می‌خواند و در بوسیدن لب‌هایش جان می‌افشاند. بیت: «این نفس است از دهنش یا عبیر / وین عرق است از بدنت یا گلاب» (مذهب‌اصفهانی، ۱۳۲۱: ۷۲).

مضامین دیگری که می‌توان آن را مضمونی گروتسکی دانست، رذایل اخلاقی چون دزدی و خساست و طمع و مردم‌آزاری است که شخصیت‌ها به شکل اغراق‌گونه‌ای این

رذایل را دارند؛ شخصیت‌هایی چون مستوفی و سید و ناقص و چرخ و مشنگی و محدث و زنبور، به حساست وصف می‌شوند. شخصیت‌هایی چون مخمخی و کنه و بیان و غزاله، فریب‌کار و دزدند و دزدی و فریب‌کاری و مردم‌آزاری‌شان چنان مبالغه‌آمیز است که تبدیل به تصویری گروتسکی می‌شود. حمار قمارباز است و اسود تریاک می‌خورد. در توصیف غزاله که پیرمرد دلاکی با خلقتی تنومند و با ریشی دراز است، می‌آورد:

تیغش در تراشیدن ریش و سبلیت مردان تیز و نشترش در دریدن شراثین و آوردهٔ مسلمانان نایب‌مناب رمح چنگیز. بر دست کیسهٔ آن بدنهاد و دونه خرط القتاد در یک تراشیدن سر به ده‌شاهی قناعت نکند که زیاده از آن پنبه تو را خرج سر و به مصرف جرح تیغ و بیشتر رسانیده‌ام. به‌جهت یک غاز هزار دندان از گاز برکند. هر بیچاره‌ای که او را دچار و مشتری بازار گردد، در آن حمام هزار رحمت بر یوسف حجاج فرستد (همان: ۶۵).

۶. کارکرد گروتسک در تذکرهٔ یخچالیه

هدف نویسنده از گروتسک چیست؟ در آثاری با نگرش گروتسکی، شاهد دنیایی وارونه و عجیب و غیرمعقول هستیم، ولی در حقیقت این دنیا بیشترین هماهنگی را با دنیای واقعی دارد. گروتسک

نگاهی است که می‌کوشد تا جنبه‌های مختلف وجود آدمی و سویه‌های متناقض هستی بر این زمین را در یک نمای کلی نشان دهد؛ رویکردی که به دنبال آن است تا خیر و شر، خنده و شادی، جنایت و محبت، زشتی و زیبایی و دیگر تقابل‌های دوسویه را که همگی در نهاد این دنیا و سرشت انسان‌ها نهفته‌است، در آن واحد به مخاطب القا کند و با این کار او را بیش‌ازپیش و راستین‌تر از هر نگرشی با واقعیت هستی و وجود خودش آشنا کند و پرده‌های فریبنده و آراستهٔ تعارفات را کنار بگذارد (شربتدار و انصاری، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

درحقیقت «گروتسک نویسنده را قادر می‌سازد تا ایدئال‌های رایج، ارزش‌ها و ساختارها را به چالش کشانیده و رفتارها و رسوم اجتماعی ناهنجار یا شرورانه را افشا کند» (لوترآدامز و یتس، ۱۳۸۹: ۲۴۲). عصری که میرزا مذهب‌اصفهانی در آن می‌زیست یعنی دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار، از لحاظ اجتماعی، عصری است که جامعه از لحاظ اخلاقی افول کرده‌است. در طنزهای این دوران، بی‌ارزشی‌های حاکم بر جامعه پوشیده است و نابسامانی‌های فرهنگی و فقر و استبداد و فساد شاهان بازتاب دارد و رذایل اخلاقی و پلیدی افکار و دورویی و

تملق و ظلم‌پذیری بر اثر تسلط غرچگان و ارادل، مورد طنز و تسخر قرار می‌گیرد (بهزادی‌اندوهجردی، ۱۳۸۲: ۳۷۰). میرزا مذهب چه به سبب رنجش شخصی و چه درک زیاد اوضاع زمانش، از قدرت گروتسک بهره می‌گیرد تا ذات واقعی جامعه‌اش را، به خصوص شاعران عصرش، رسوا کند. زیاری و محمدی‌فشارکی (۱۳۹۲: ۱۶۶) با استناد به منابع هم‌عصر او و دیگر تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهند با اینکه مذهب اصفهانی تأکید می‌کند شاعران معرفی‌شده در *یخچالیه* «مجهول خیالیه» هستند، چندان هم خیالی نیستند و هر ترجمه از این کتاب مربوط به یکی از معاصران اوست. امروزه شناخت هویت این شاعران برای ما دشوار است، ولی همین نکته که او در خلق شخصیت‌هایش نگاهی به شخصیت‌های حقیقی روزگار خود داشته - هرچند عنصر اغراق را هم در نظر بگیریم - باز هم این اثر، فساد پنهان عصرش را رسوا می‌کند. شخصیت‌های تذکره *یخچالیه* در یک چیز مشترک‌اند: تناقض در آنچه هستند و آنچه مدعی آن‌اند. این شخصیت‌های ناقص‌الخلقه و زشت‌رو، گرفتار نوعی مالیخولیای جنسی هستند، ولی با این حال مدعی شاعری و دچار خودبزرگ‌بینی عجیبی‌اند. وی با ظرافت بسیار سعی در نشان دادن این تناقض دارد و به نظر می‌رسد موفق هم شده‌است.

۷. نتیجه

آثار هزل‌آمیز ادبیات فارسی به دلیل ملاحظات اخلاقی، همواره مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. تذکره *یخچالیه* تألیف میرزا مذهب اصفهانی نیز به دلیل پررنگ بودن وجه هزل‌آمیزش، چندان مورد توجه منتقدان قرار نگرفته‌است، آن‌چنان‌که نویسنده‌اش تقریباً گمنام است و در حالی که هنوز دویست سال از تاریخ فوتش نگذشته‌است، تاریخ تولد وی را نمی‌دانیم. در تاریخ تألیف این تذکره نیز ابهامی است و با توجه به شواهد گمان می‌رود میرزا مذهب، *یخچالیه* را در جوانی به صورت پراکنده نوشته و در سال ۱۲۵۵ قمری آن را جمع آورده و به محمدشاه قاجار تقدیم کرده‌است. این کتاب نقیضه‌ای است بر تذکره *آتشکده‌ی آذر بیگدلی* و در سبک نثر هم پیرو سعدی است. مذهب اصفهانی از لحاظ زبانی موفق شده دو سبک زبانی رسمی (نثر مصنوع و متکلف تذکره‌ها) و عامیانه (ابیات عامیانه) را با هم تلفیق کند. تلفیق این دو سبک زبانی، کاری است که بعدها شاخصه طنز طنزنویسانی همچون دهخدا می‌شود.

یکی از ترفندهای ادبی بارز در این تذکره، گروتسک است. میرزا مذهب شرح حال سی شخصیت را در تذکره‌اش آورده که همگی عجیب و ناقص‌الخلقه و گرفتار نوعی مالیخولیای جنسی‌اند که احساسی چندگانه از نفرت و ترس و طنز را به مخاطب القا می‌کنند. همین ویژگی، این اثر را از هزلی خالی از ارزش، به اثری انتقادی و تأمل‌پذیر ارتقا می‌دهد. قطعاً این ظن پدید می‌آید که گروتسک، مفهومی امروزی است و میرزا مذهب در قرن سیزدهم با چنین مفهومی آشنا نبوده‌است. درحقیقت بسیاری از نویسندگان بدون قصد قبلی از گروتسک استفاده می‌کنند. شاعر یا نویسنده‌ای که درک بسیار از هستی دارد، تناقض‌های دورانش را می‌بیند و آن را در اثرش منعکس می‌کند. گروتسک در یخچالیه هم در خدمت انتقاد از اجتماع نامتعادل و ناسالم آن قرن است و شهوانیت و روابط خارج از هنجار آن دوره را به نقد می‌کشد.

منابع

- بهزادی‌اندوهجردی، حسین (۱۳۸۲)، *طنزپردازان ایران*، تهران: دستان.
- تامپسون، فیلیپ (۱۳۶۹)، *گروتسک در ادبیات*، ترجمه غلامرضا امامی، تهران: شیوا.
- تسلیم‌چهرمی، فاطمه و یحیی طالبیان (۱۳۹۰)، «تلفیق احساسات ناهمگون و متضاد (گروتسک) در طنز و مطایبه»، *فنون ادبی*، س ۳، ش ۱، صص ۱-۲۰.
- ثابت‌قدم، خسرو (۱۳۸۳)، «گروتسک در نثر ناباکوف»، *سمرقند*، ش ۳، صص ۲۰۱-۲۱۰.
- راستی‌یگانه، فاطمه (۱۳۸۸)، «جستاری در گروتسک»، *صحنه*، ش ۶۹، صص ۱۱۶-۱۱۸.
- زیاری، حسن (۱۳۹۲)، «مقدمه، تصحیح و تحشیه دو رساله نقیضه (یخچالیه، قمارنامه)»، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان.
- زیاری، حسن و محسن محمدی‌فشارکی (۱۳۹۲)، «تبعی در تذکره یخچالیه»، *آیینة میراث*، ش ۵۳، صص ۱۵۹-۱۷۷.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۱) *کلیات سعدی*، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: زوار.
- سلیمانی، محسن (۱۳۹۱)، *اسرار و ابزار طنزنویسی*، تهران: سوره مهر.
- شربتدار، کیوان و شهره انصاری (۱۳۹۱)، «گروتسک و ادبیات داستانی: بررسی مفهوم گروتسک و کاوش مصداق‌های آن در آثار شهریار مندنی‌پور»، *ادبیات پاریس معاصر*، س ۲، ش ۲، صص ۱۰۵-۱۲۱.
- صلاحی، عمران (۱۳۸۲)، *خنده‌سازان و خنده‌پردازان*، تهران: علم.
- عبیدزاکانی، عبیدالله (۱۳۸۳)، *رساله دلگشا*، تصحیح و ترجمه علی‌اصغر حلبی، تهران: اساطیر.
- فلور، ویلم (۲۰۱۰)، *تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران*، ترجمه محسن مینوخرد، استکهلم: فردوسی.

- لوتر آدامز، جیمز و ویلسون یتس (۱۳۸۹)، گروتسک در هنر و ادبیات، ترجمه آتوسا راستی، تهران: قطره.
- مذهب‌اصفهانی، میرزا محمدعلی (۱۳۲۱)، تذکره یخچالیه، تصحیح احمد گلچین گیلانی، چ ۳، تهران: شرکت تضامنی حیدری.
- مذهب‌اصفهانی، میرزا محمدعلی (۱۲۸۵ ق)، یخچالیه، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۲۰۳.
- مذهب‌اصفهانی، میرزا محمدعلی (۱۳۶۵ ق)، مدایح معتمدیه، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۷۶۷۳.
- مسجدی، حسین (۱۳۸۶)، «سبک بازگشت و شعر اصفهان در قرن سیزدهم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ش ۴۹، صص ۱۲۳-۱۳۸.
- مسجدی، حسین (۱۳۹۰)، مقدمه تذکره مدایح‌المعتمدیه، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۶)، مثنوی معنوی، براساس نسخه نیکلسون، تهران: کاروان.
- وفازواره‌ای، محمدعلی (۱۳۸۵)، تذکره مآثرالباقریه، تصحیح حسین مسجدی، اصفهان: شهرداری اصفهان.
- یعقوبی، پارسا و طیبیه فشی (۱۳۹۰)، «گروتسک یا طنز آمیخته در آثار جمال‌زاده»، بهار ادب، س ۴، ش ۳، صص ۲۴۵-۲۵۴.